

چگونه برقراری ارتباط مطلوب میان خانه و مراکز پیش دبستانی

۲

دکتر فرخنده مفیدی

کاربامادران به شیوه ای مثبت ، مستلزم این است که معلم (مربی) از دوجهت قابل دسترس باشد



اول اینکه، چون مربی مسؤول مراقبت ، نگهداری و تعلیم کودک در مدرسه (مرکز) است ، بایستی از نظر پاسخگوئی درد دسترس بوده ، خود را مسؤول بدانند . دوم اینکه ، او بایستی از نظر فیزیکی نیز قابل دسترس باشد ؛ زیرا به هنگام نیاز مادربایستی در مدرسه حضور داشته باشد . در بعضی از مراکز و مدارس ، این قابلیت دسترسی و موجودیت فیزیکی مربی یا معلم ، بسیار مسأله ساز و دشوار است . در این مراکز ، مربی ممکن است به هنگام ورود کودک و مادر ، چنان مشغول تنظیم اتاق و وسایل و کارباچه های دیگر باشد که قادر به دیدن و صحبت بامادران نباشد و یا در پایان روز چنان خسته و در عجله باشد که وقت و انرژی لازم برای صحبت با مادران را نداشته باشد .

البته ، میسر است که مربی برنامه کار را چنان تنظیم نماید که مثلاً ۱۵ دقیقه در



پایان روز ویا به هنگام تحویل کودکان ، به صحبت با مادران اختصاص یابد که در این صورت فرصت بسیار زیادی را برای ملاقات با والدین و برقراری یک رابطه دوستانه خواهد داشت و بدین ترتیب با سهولت بیشتری می تواند رابطه عاطفی ، صمیمانه و ایمنی را با آنها برقرار نماید . در واقع عدم تنظیم زمانی مناسب برای رابطه با معلم سبب ایجاد مسایل بسیاری خواهد شد ، از جمله اینکه صحبت سرپایی و شتاب آلودمعلم بامادر ، چنین احساسی را پدید می آورد که اگر چنانچه مکالمه به جاهای حساس کشیده شود ، احتمالاً " طرفین بزودی محل را ترک نموده ، نتیجه مناسبی به دست نخواهد آمد . علاوه براین ، اگر زمانی رسمی و خاص برای صحبت با مادران در برنامه پیش بینی شود ، هر دو طرف (مربی و مادر) با فراغ بال و ایمنی بیشتری می توانند با یکدیگر به صحبت نشسته ، حالات عاطفی ، وضعیت های ناگوار و یا نامطبوع محتمل را کنترل نمایند و در نتیجه رفتارهای ناخوشایندی که ممکن است به علت بی حوصلگی و کمبود وقت پدید آیند ، کاهش می یابد .

این نوع روابط مکرر و همیشگی به مراتب ثمربخش تر از پاسخ های بسیار رسمی و ترتیب کنفرانسهای اضطراب آوری است که ممکن است یک یادوار در ماه صورت گیرند . ترتیب کنفرانسها و موقعیت های رسمی تر ، تنها بعد از برقراری یک چنین رابطه راحتی و روزمره ای میسر است و در این صورت است که این فرصتها می توانند مفید تر واقع گردند .

مشاوره با والدین

زمانی که خطوط ارتباطی بین والدین و معلمین (مربیان) برقرار گشت ، این سؤاال پیش می آید که بعد از این مرحله چه باید کرد ؟ وقتی توانستند با یکدیگر به نحو احسن ارتباط برقرار نمایند ، روابط موجود بین آنها به درجات مختلفی خواهد رسید . در اثنای سال نیز همه این درجات و سطوح روابط می توانند به وسیله مربیان مهد کودکها و معلمین آمادگی ها ، البته بسته به موقعیت های ویژه مورد استفاده قرار گیرند :

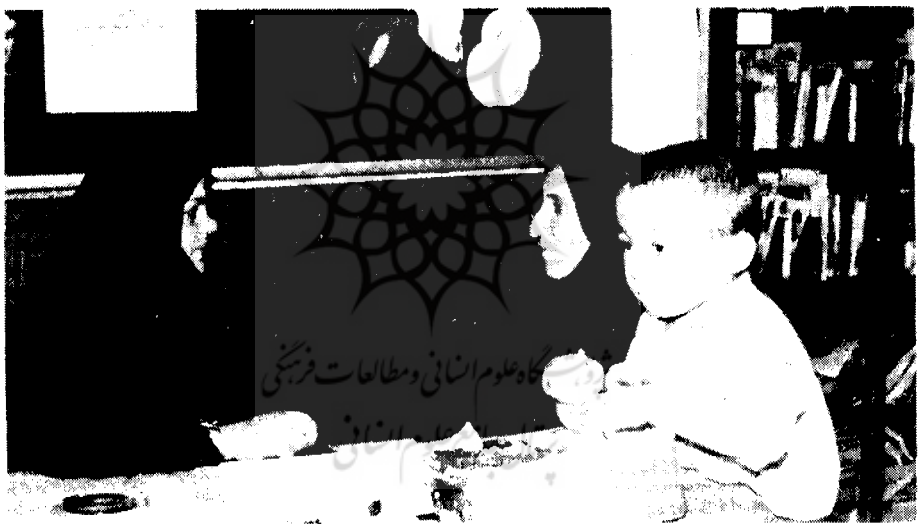
۱ - ساده ترین سطح و درجه ارتباط همانا ایجاد رابطه غیر رسمی است که در این نوع رابطه ، مربی ممکن است گزارشهایی در خصوص کارهای مرکز (مدرسه) و آنچه در مدرسه شکل می گیرد و نیز نحوه

۳ - وبالاخره راهی دیگر برای ایجاد رابطه بین مادر و مریبی، همانا راهنما و مشاور بودن مریبی (معلم) است.

این نوع راهنمایی، البته به معنای ایمن نیست که معلم دقیقاً "همه چیز را برای مسادر دیکته نماید و طریقه انجام کار را به وی بنمایاند، بلکه بیشتر بدین معنی است که در واقع مریبی با مادر کار می کند و با پدید آوردن تحرک و رفتار آگاهانه در وی به او کمک می کند تا مشکلات احتمالی مختلف را در کودکش کشف نماید و نیز به او در خصوص چگونگی مقابله با این نوع مشکلات یاری می رساند. اعتقاد من این است که، معلمینی به سطح

پیشرفت کودکان به والدینشان بدهد مثلاً: "کارهایی که امروز در مدرسه صورت داده ایم این موارد هستند" و یا "سطح پیشرفت کودک شما این گونه است". در این سطح از ایجاد رابطه، حداقل مادر درمی یابد که معلم خواستار قرار دادن وی در جریان کارهای مدرسه و کودکش می باشد. روابط بیشتر و پیشرفته تر معمولاً از این مرحله به بعد آغاز می گردند.

۲ - یکی دیگر از سطوح ایجاد رابطه این است که معلم نقش فراهم آورنده اطلاعات را به عهده گرفته، در واقع نقش حمایتی را ایفا کند. در این جا وی رفتار کودک را برای مادر



سوم از ایجاد رابطه می رسند که از آموزشهای ویژه ای برخوردار باشند. با وجود این، همه معلمین می توانند مهارتهای خود را در این سطح افزایش داده، بدون هیچ دشواری از عهده آن برآمده و احتمالاً "نقش راهنمایی و مشاوره را برای کمک به والدین نیازمند بخوبی انجام دهند، بویژه اگر بتوانند به حای تحویز کردن،

بر اساس تجارب وسیعش با کودکان مختلف نفسیر می نماید. برای مثال، اطلاعات ساده ای که مریبی در خصوص پیشرفتهای کلامی کودک ۴ ساله ای به مادرش می دهد، ارزش این را دارد که اضطراب مادر را کاهش داده، حلشوی اطلاعات غلطی را که ممکن است از جاهای دیگری درباره کودکش کسب نماید، می گرد.

برفن گوش دادن ، تمرکز بیشتری نمایند ؛ زیسرا واقعیت این است که گاه حتی وقتی کسه والدین در طلب کمک برمی آیند ، قبلا " پاسخ را می دانند ، ولی در کاربرد آن بادشواری مواجه می شوند .

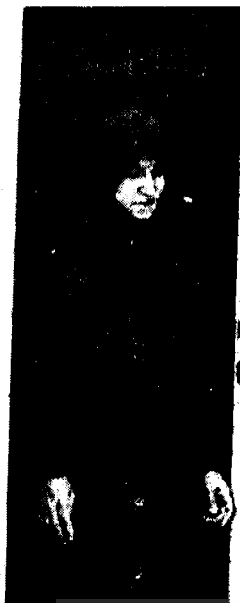
پس ، صرف نظر از موقعیتهای ویژه ای که گاهی پیش می آید و مستلزم کمکهای حرفه ای تری است ، آنچه مادران برای مقابله باد شواریها نیاز دارند ، از طریق فراهم آوردن فرصت برای صحبت با مربی (معلم) حاصل می آید و این شانس است برای والدین تاراه حلهای آزمایشی را به ارزیابی بگذارند و از صحت و سقم آنها در مورد خود و نیاز ویژه کودکانشان اطلاع حاصل کنند . زیرا چنانچه به مادران فرصتی داده شود تا مشکلات خود را با فردی علاقه مند در میان گذاشته ، بدون دغدغه خاطر درد دل نمایند ، (بخصوص برای مادری که تحت فشار و اضطراب است) ، آسایش و راحتی بسیار زیادی حاصل می آید . اجازه دادن به حسن مادری برای ابراز احساسات خود ، حتی ابراز احساسات شرمندگی ، یا گاهی عصبانیت و ناراحتی در خصوص رفتار کودکش ، سبب ای مثبت در یک موقعیت مشاوره ای است .

البته واقعیتی است که معلمینی که دارای تجارب و سوابق تحریری وسیعی در خصوص کودکان مختلف هستند ، گاه می توانند عملکردی بهتر از مادر داشته باشند . انتقال این نوع اطلاعات از جانب معلم به مادر در صورتی مفید و مؤثر واقع می گردد که روشهای پیشنهادی معلم به مادر به صورتی واقع بینانه ارائه شود تا مادر در ردیوا قبول آنها آزادی کامل داشته باشد و احساس اجبار و تحمیل ننماید . البته این در صورتی میسر است که والدین چنین نگرشی را از جانب



مربی (معلم) دریافت دارند که علی رغم دانستیهای وی در مورد کودکان ، باز هم اطلاعات و دانسته های او (مادر) از اطلاعات مربی بیشتر است و یک مادر شناسایی بیشتری نسبت به کودک خود دارد .

اما از حیثات یک مشاوره خوب ، داشتن صبورو سکینایی است . البته واقعیتی است که انسانها طبیعتاً " خواستار دریافت بناخ فوری و پاسخ از جانب دیگران هستند ، ولی باید دانست که اغلب نصیحتات حاصل ، به زمان نیاز دارد . بسیاری از اوقات وقتی مادری پیشنهادها و توصیه های معلمی را به عطف می سیارد و بدان عمل نمی کند ، معلم ممکن است ناامید و دلسرده



مادران بدون هیچ عکس العملی عقاید دیگران را پذیرا باشند، در واقع نتیجه مشاوره، شاید نتواند تحرک واقعی را در آنها پدید آورد. به هر حال باید دانست که فرصت و زمان برای تفکر، بازنگری، بررسی و ملاحظه موقعیتها و راه حلهای مختلف و زمان برای تغییر عقاید و خوگرفتن به عقاید جدید از جمله عناصر اساسی و ارزنده یک راهنمایی و مشاوره خوب است.

حدومرزیک راهنمایی و مشاوره خوب

می دانیم که باره ای رفتارها و مشکلات بدسرفته وجود دارند که خارج از قدرت و توانایی یک معلم هستند. تجربه نشان می دهد که در چنین مواقعی طلب کمک از جانب فردی مدخص بر لازم می آید. اگر چنانچه موقعیت بسیار جدی بوده، یا دست یابی به پاسخی اصولی از جانب معلم و یامربی مهد کودک ممکن نباشد، البته صلاح است که والدین را به افراد

کردد. گاه نیز والدین به افراد حرفه‌ای و مشاوران خاصی از جانب معلم ارجاع داده می شوند که باز هم ممکن است از توصیه های آنها سر باززنند. باید دانست که پذیرش توصیه های مشاورین گاه برای والدین سهولت و فوریت صورت نمی گیرد. آنها نیاز به زمان، برای تغییر عقاید خود و پذیرش عقاید دیگران دارند. مثلاً "ممكن است آنها ابتدا آمادگی لازم برای پذیرش توصیه های دیگران در خصوص زیادۀ فعالی و یادخلفی های کودکان رانداشته و آنها را به غفلت بشارند. اما باید دانست که مشاوره های بعدی دارای نتایج بهتری خواهند بود، زیرا آمادگی ها و زمینه های قبلی فراهم شده است.

بالاخره، امروزه دانسته است که تعداد مادرانی که پیشنهادهای مشاور را در اولین مرحله و بطور کامل پذیرا نمی شوند، بمراتب بیشتر از گذشته است و وجود چنین حالتی نیابستی تحت آور و یا نادرست به نظر آید. زیرا چنانچه

بنماید . برای انجام آن ، ابتدا لازم است مشکلات مختلفی را که سد راه این نوع ارتباط بین معلم و مادر می گردند ، از میان برداشت . یکی از مؤثرترین روشهایی که یک معلم می تواند انجام دهد ، پدید آوردن اعتماد و اطمینان در والدین است . به عبارت بهتر بتواند به آنها بفهماند که هدف وی رفاه و پیشرفت کودک بوده و تمام سعی خود را در تحقق این هدف بکاربندد و البته برای نیل به این مقصود ، به ارتباط خالصانه با مادر نیاز دارد . او می تواند با فراهم آوردن فرصتهای منظم جهت برقراری رابطه با والدین ، امکان درد دل کردن و صحبت را برای آنها بوجود آورد . او می تواند به محض ایجاد یک رابطه باز و صمیمانه بین خود و مادر ، نقش یک دوست و مستمع را به خود گرفته ، با گوش دادن به صحبت های مادر ، ماهیت مشکل را مورد ارزیابی قرار داده ، راههای مختلفی را پیش روی او بگذارد .

در این موقعیت ، او همچنین می تواند مادر را در انتخاب بهترین روش و مناسبترین شیوه آزاد بگذارد .

در این جا لازم به ذکر است که تنها مربیان و معلمینی از عهده برقراری چنین رابطه دستانه و مؤثر بر می آیند که دارای نگرشی پذیرا و مثبت بوده ، شنونده ای صادق و مورد اعتماد باشند و سرانجام از قلبی پرمهر و عطوفت برخوردار باشند .

در پایان امیدواریم که این مقاله بتواند راهگشای بسیاری از ابهامات ، در ایجاد ارتباط بین مربیان ، معلمین مراکز پیش دبستانی و خانواده ها ، بویژه مادران باشد .

متخصص در آن زمینه و به منظور حل مشکل ، ارجاع داد . خوشبختانه ، افراد ماهر و برجسته ای در زمینه های مختلف وجود دارند که می توان با اعتماد به آنها ، مشکلات حاد را حل نمود و به همین خاطر شایسته است که دست از تعصباتی این چنین برداریم که یک فرد می تواند از عهده حل همه مشکلات برآید و یا مسائل کودکان درمهدکودکها و یا سطوح ابتدایی از چنان ماهیتی برخوردار نیستند که یک مربی از عهده مقابله با آنها بر نیاید .

خلاصه مطالب

برقراری یک رابطه خوب و صحیح بین مادر و معلم یا مربی ممکن است با مشکلاتی مواجه گردد و معمولاً " در ایجاد یک چنین ارتباطی موانعی وجود دارند ، ولی یک مربی یا معلم می تواند به شیوه های گوناگون و صبورانه در برقراری چنین ارتباطی کمکهای ارزنده

